

بازتقریر نظام‌وار نظریهٔ مصلحت سلوکیه با نگرشی کلامی و دین‌شناسانه به جنبهٔ اثباتی آن^۱

علی هاشمی^۲

چکیده

نظریهٔ مصلحت سلوکیه از ابتکارات شیخ انصاری در تصحیح جعل امارات ظنی از سوی شارع است. علیرغم آنکه در مجموعه آثار اصولی شیخ، این نظریه به صورت دیدگاهی منسجم و منظومه‌وار ارائه شده است، اما اصولیان توجه شایسته‌ای به این منظومه و پشتوانه‌های کلامی آن، نشان نداده‌اند. قرار دادن مصلحت سلوکیه در عرض مسلک طریقت و القاء تنافی بین این دو، اشتمال آن بر تصویب باطل، و برتافتن حیثیت مستقلی به نام سلوک اماره در کنار خود اماره، از مهم‌ترین چالش‌های این باور شیخ است. در تقریر مختار از این نظریه که با استخراج نظام اندیشهٔ شیخ انصاری با تدقیق در فراند الاصول و به خصوص مطارح الانظار صورت گرفته است، بین طریقت و مصلحت سلوکیه همراهی حاصل، و اشکالات یادشده به روشنی دفع می‌شود. جنبهٔ فراموش شدهٔ این

تاریخ تأیید مقاله: ۴۰۲/۹/۲۷
ali_hashemi_ali@yahoo.com

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۲/۸/۸
۲. دانش‌پژوه سطح سه حوزهٔ علمیة کاظمیه، قم، ایران.

نظریه، مبانی کلامی و دین‌شناسانه آن است که پشتوانه اثباتی بحث هستند و شیخ به روشنی، به آنها تصریح کرده است. از رهگذر تحلیل و بازخوانی اندیشه و مبانی کلامی شیخ در این نظریه و افزودن زاویه دیدهای اثباتی تکمیلی به بحث، چهره مقبول و مترقی این نظریه آشکار می‌شود.

واژگان کلیدی: شبهه ابن قبه، مصلحت سلوک، طریقت، تدارک، جنبه اثباتی، قاعده لطف.

مقدمه

بحث از امکان تعبد به ظن، از سرفصل‌های رایج و پربحث در دانش اصول است که خصوصاً پس از پرداخت مفصل شیخ انصاری به آن^۱، جایگاه ویژه‌ای را در کتب اصولی به خود اختصاص داده است. نقطه مورد کنکاش در این بحث، شبهه معروف ابن قبه رازی است که چالشی را فراروی عمل به امارات ظنی پدید آورده است. تقریر صحیح و دقیق این چالش با توجه به ابعاد و زوایای مختلف آن، از مهم‌ترین گام‌ها در بررسی این بحث و نظریات مطرح شده در این مجال، از جمله نظریه مصلحت سلوکیه شیخ انصاری است. یکی از این ابعاد قابل توجه، ماهیت کلامی بحث امکان تعبد و نظریاتی چون مصلحت سلوکیه است. ابن قبه رازی که این شبهه منسوب به اوست، از متکلمین مستبصر است که نجاشی او را به‌عنوان متکلمی توانا و نیکو عقیده ستوده است.^۲ کانون این شبهه، کاوش در فعلی از افعال شارع است؛ به این بیان که در صورت تجویز تبعیت از طریقی ظنی در رسیدن به احکام، با وجود احتمال مخالفت با واقع و اصابت به خلاف واقع، قبحی بر شارع ثابت می‌شود یا خیر؟ بحث از افعال شارع نیز از موضوعاتی است که به اتفاق دانشیان کلام، داخل در مسائل این دانش است.

از این رو در نظرکرد اصولی به این بحث و تلاش برای حل و فصل آن، ضروری است به پشتوانه‌های کلامی و اعتقادی آن نیز نظر داشت. لب این نوشتار نیز تلاشی است کلامی-اعتقادی در راستای بررسی اثباتی نظریه مصلحت سلوکیه شیخ انصاری. با توجه به پشتوانه کلامی بحث امکان تعبد و نظریه شیخ، نکته قابل توجه دیگر، ارائه

۱. انصاری، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲. نجاشی، رجال، ص ۳۷۵.

نظریات دین‌شناسانه در این بحث است. مسالک مختلفی که در پاسخ به شبهه ابن قبه مطرح شده‌اند، هر یک به مثابه نظریه‌ای دین‌شناسانه هستند. این نظریات بیان می‌کنند که راه تعامل با احکام دین که همان فقه است، با واقعیات و مصالحی که احکام دین در بردارند، چه نسبتی دارد و چالش‌ها و ظرفیت‌های این عرصه کدام‌اند؟ اگر در دست یافتن به مصالح واقعی، نقصان‌های طبیعی و غیر طبیعی طریق، مشکل‌ساز شدند، چه ظرفیت‌هایی در تقابل با این چالش‌ها از ناحیه شارع اندیشیده شده است؟ آیا تأمین مصالح نوعی، از قبیل تسهیل طریق رسیدن به احکام، تنها ظرفیت گنجانده شده در این طرق ظنی است یا ظرفیت‌های بالاتری از قبیل جبران و تدارک مصالح شخصیه فوت شده نیز در این طرق وجود دارد؟ در این رویکرد، بحث از مستوای اثبات یا عدم اثبات قبح بر شارع، به تحلیل و بررسی و شناخت ظرفیت‌های واقعی طرق ارتقا می‌یابد و تلاشی در بستر فلسفه فقه و اصول صورت می‌گیرد. لذا ماهیت کلامی این مباحث، از حیثی دیگر در حیطه فلسفه فقه و اصول فقه می‌گنجد.

از دیگر سو، چالش‌های فراوان در تقریر و ارائه فراگیر اندیشه شیخ انصاری در این نظریه، فراوانی اشکالات مبتنی شده بر تقریر ناصحیح از این نظریه، و فقدان نگاه از بالا به آن، که در بستر کلام و فلسفه فقه و اصول صورت می‌گیرد، و همچنین آثار و نتایج اصولی و دین‌شناسانه احتمالی مترتب بر آن، بازخوانی نظریه مصلحت سلوکیه را ضروری می‌نماید.

پیشینه

بسیاری از کتب اصولی پس از شیخ انصاری به بحث مصلحت سلوکیه ورود کرده و جز معدودی از اصولیان مانند محقق نایینی^۱، دیگران بیشتر موضع انتقادی نسبت به آن داشته‌اند.^۲ در هیچ‌یک از آثار اصولی تلاش فراگیری برای ارائه نظام‌واره نظریه شیخ و گردآوری دیدگاه‌های مختلف ایشان در این راستا، صورت نگرفته است و لذا این ویژگی از مختصات نوشتار پیش رو است.

در فضای پژوهش‌ها و نگاشته‌های مستقل در این باب نیز مقالاتی با عناوین «تأملی در

پژوهش‌ها
در فلسفه فقه
و اصول

بازتقریر نظام‌واره نظریه مصلحت سلوکیه

۱. نایینی، فوائد الأصول، ج ۳، ص ۹۵.

۲. به عنوان نمونه: خویی، مصباح الأصول، ج ۱، ص ۹۷.

نظریه مصلحت سلوکیه با رویکردی به آرای امام خمینی (ره)^۱ و «بررسی گستره شریعت از منظر دیدگاه‌های رائج در مصالح و مفسدات واقعه»^۲ و «بررسی نظریه مصلحت سلوکیه در دیدگاه شیخ انصاری»^۳ به این نظریه پرداخته‌اند که در آنها اولاً دغدغه نگرش نظام‌وار و فراگیر به اندیشه شیخ انصاری تأمین نشده، و ثانیاً در هیچ‌یک از آنها و همچنین در کتب اصولی، تمرکز بر جنبه اثباتی این نظریه به چشم نمی‌خورد؛ که این دو مهم، در پژوهش پیش رو مورد توجه و تمرکز بوده‌اند.

مفهوم شناسی

«اماره» به دلیلی گفته می‌شود که مفید ظن به حکم واقعی و طریق به سوی آن است که به دلیل کاشفیت آن از واقع، از سوی شارع برای کسانی که علم به حکم واقعی ندارند، حجت قرار داده شده است.^۴

مراد از «ظن» در این مباحث، مؤدای اماره است که محتوای آن نه آگاهی قطعی از حکم واقعی، بلکه گمانی راجح بدان است. «تعبد به ظنون» نیز عبارتی دیگر از حجیت دلیل ظنی و به معنای صحت شرعی عمل بر اساس آن و منجزیت و معذرت ظنون است.^۵

«امکان تعبد به ظن» بدین معناست که با وجود احتمال به خطا رفتن اماره که دلیلی ظنی است و تطابق نداشتن مؤدای آن با حکم واقعی، چگونه ممکن است شارع آن را حجت در نسبت با احکام خویش قرار داده باشد؟^۶ «مصلحت سلوکیه» عنوان نظریه شیخ انصاری در پاسخ به این پرسش است. این نظریه از بین مشکلات ثبوتی مختلفی که پیش روی حجیت

پژوهش علمی
اصول فقه اسلامی

سال ششم، شماره ۲، سال ۱۴۰۲

۱. خویینی، «تأملی در نظریه مصلحت سلوکیه با رویکردی به آرای امام خمینی (ره)»، پژوهش نامه متین، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۷۳ تا ۸۸.
۲. شجریان، «بررسی گستره شریعت از منظر دیدگاه‌های رائج در مصالح و مفسدات واقعه، فصلنامه آیین حکمت، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص ۸۵ تا ۱۰۶.
۳. عزیزاللهی، «بررسی نظریه مصلحت سلوکیه در دیدگاه شیخ انصاری»، دوفصلنامه علمی ترویجی مطالعات اصول فقه امامیه، سال ۴، شماره ۸، صص ۱۰۳ تا ۱۲۰.
۴. صدر، دروس فی علم الأصول، ج ۱، ص ۱۶۶.
۵. مظفر، أصول الفقه، ص ۳۷۳.
۶. همان، ص ۳۹۷.

دلیل ظنی است، بر مشکل از دست رفتن مصالح واقعی یا افتادن در مفاصد واقعی در صورت تطابق نداشتن ظنون با واقع تمرکز کرده است و تلاش می‌کند با پیش کشیدن بحث از مصلحتی جبرانی، از این مشکل عبور نماید.^۱

منظومه فکری شیخ انصاری در نظریه مصلحت سلوکیه

در تقریر نظریه شیخ در این نوشتار، علاوه بر کتاب فرائد الاصول، کتاب مطارح الأنظار نیز به صورت جدی مورد توجه و کاوش قرار گرفته است. در دو قسمت از کتاب مطارح به تفصیل به این نظریه پرداخته شده است که معمولاً مورد غفلت واقع می‌شوند؛ یکی در بحث امکان تعبد به ظن^۲، و دیگری در بحث اجزاء^۳ همچنین، برخی مبانی فکری تأثیرگذار شیخ انصاری نیز در این مبحث نیز باید مورد توجه قرار گیرند که به آن مبانی و اثربخشی آنها نیز پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌های به کار برده شده توسط شیخ در معرفی مصلحت سلوکیه و تفکیک آن از مسلک سببیت و تصویب، از ابزارهای مهم این نوشتار در ارائه تصویری روشن از نظریه است. شیخ انصاری در فرائد الاصول پس از بحث از شبهه ابن قبه، به تناسب وارد بحث از مسالک مختلف در تعبد به امارات ظنی شده و به دو مسلک طریقی و سببیت و وجوه قابل تصور در هر قسم می‌پردازد.^۴

شیخ مصلحت سلوکیه را سومین وجه در تصحیح جعل امارات از باب سببیت دانسته و پس از توضیح مدعای خویش، تلاش فراوانی در ایجاد تمییز بین این نظریه از تصویب باطل و دفع اشکالات مقدر به این بحث روا می‌دارد.^۵

در مطارح نیز در دو قسمت یادشده، با وسعت و دقتی بیشتر، و با به‌کارگیری کلیدواژگانی مؤثرتر در انتقال مراد خویش، به تبیین نظریه و جزئیات آن، مانند ظرف طرح این نظریه، تمییز

پیشینه فقهی

بازتقریر فقهی نظریه مصلحت سلوکیه

۱. انصاری، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۱۱۴.
۲. همو، مطارح الأنظار، ج ۳، صص ۶۹-۶۱.
۳. همان، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۶۹.
۴. انصاری، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۱۱۳.
۵. همان، صص ۱۱۳-۱۲۳.

و تفکیک دقیق آن از مسلک سببیت و تصویب باطل و همچنین ارائه دلیل اثباتی در تأیید نظریه مصلحت سلوکیه می‌پردازد. پس از مطالعه و بررسی مجموعه بیانات شیخ اعظم پیرامون مصلحت سلوکیه و جستجوی فراوان در تقریرهایی که پس از وی تا به امروز از این نظریه صورت گرفته و اشکالات وارد شده بر آن، و توجه به کاستی‌های مهم در تبیین سخن شیخ، در ذیل چند عنوان که محورهای تبیین نظریه هستند، تقریر مختار بیان می‌شود.

۱. رویکرد عقلایی به طریق در عین توجه به پشتوانه‌های واقعی و هستی‌شناسانه طرق شیخ به طرق، رویکردی عقلایی دارد و عرصه طرق را از این منظر می‌نگرد. همان‌گونه که عقلاً در تحلیل طریق و اعتبار آن از سوی قانون‌گذار، چیزی جز حیثیت ایصال به واقع نمی‌بینند، در طرق معتبر شرعی که رساننده به احکام شرع هستند نیز حیثیتی جز صرف راه بودن را در نظر ندارند.^۱

این‌گونه نیست که طریق در مقصد تأثیرگذار باشد و مکان دیگری را مقصد راه قرار دهد. مثلاً اگر مکان مورد نظر، حرم امام رضا% است، طریق، مقصد را تغییر نمی‌دهد و اگر به جای حرم به مکان دیگری رسید، در آن مکان چیزی از فیوضات حرم وجود ندارد و ایجاد هم نمی‌شود؛ اینکه قانون‌گذار با شخصی که از این راه برای رسیدن به حرم گذشته ولی به حرم و فیض زیارت نرسیده، چه برخوردی می‌کند، بحث دیگری است که باید در ادامه دید آیا این ناحیه نیز در دید عقلایی جایگاهی دارد یا خیر؟

نکته قابل توجه که در رویکرد اثباتی به بحث، با دقت بیشتری بررسی می‌شود، اینکه شیخ کاملاً توجه دارد که در عین عقلایی بودن رویکرد به طریق به خودی خود، حیثیت دیگری بر بحث حاکم است که ممکن است در برخی ابعاد، تفاوت‌هایی را با رویکرد عقلایی به طرق رقم بزند. آن حیثیت هم توجه به این نکته است که قانون‌گذاری که این طرق را برای رسیدن به احکام خویش جعل کرده، شارع حکیم لطیفی است که صفات خاص وی ممکن است اقتضائاتی را بر بحث حاکم کند.^۲

پیشینه
اصول فقه اسلامی

دانشنامه شماره ۳۰ سال ۱۴۰۲

۱. همان، ج ۴، ص ۳۸.

۲. انصاری، مطارح الأنظار، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲. باور به طریقت محض امارات در عین داشتن نوعی سببیت و تصویب

اگرچه شیخ در فرائد، بحث مصلحت سلوکیه را ذیل وجوه سببیت مطرح می‌کند، اما در چند جا از رسائل به طریق محض بودن امارات ظنی تصریح می‌کند؛ از جمله در استصحاب^۱ و همچنین در مبحث تعادل و تراجیح کتاب فرائد^۲ و در جاهایی از کتاب مطارح به حیثیت طریق محض بودن امارات اشاره دارد.

شیخ در بحث تعادل و تراجیح رسائل می‌گوید:

«أما لو جعلناه من باب الطریقۃ - كما هو ظاهر أدلة حجّية الأخبار بل غيرها من الأمارات - بمعنى: أنّ الشارع لاحظ الواقع و أمر بالتوصّل إليه من هذا الطريق؛ لغلبة إيصاله إلى الواقع...»^۳

وی در بحث صحیح و اعمّ کتاب مطارح نیز می‌گوید:

«ثم إنّ الطریقۃ فی الأمارات الظاهرية لا أظنّ أن يشكّ فیها أحد من أصحابنا، كما يعاضده طريقة العرف و العقلاء.»^۴

تصریح به طریق محض بودن امارات و از طرفی گنجاندن بحث مصلحت سلوکیه ذیل وجوه سببیت، تنافی ظاهری دارند و گنجانیده شدن مصلحت سلوکیه ذیل سببیت در فرائد^۴ از لغزشگاه‌های تقریر صحیح بحث است که موجب شده بسیاری نتوانند به طریقی محض بودن امارات در نظر شیخ آگاه شوند.

تنافی یا شده با دقت در چند نکته قابل رفع است؛ یکی حکمت گنجانده شدن مصلحت سلوکیه ذیل سببیت که در عنوان تدارکی بودن مصلحت سلوکیه به آن اشاره می‌شود و دیگر، توجه دقیق به محتوایی که در این معنا از سببیت توسط شیخ در فرائد و مطارح عرضه شده و در آن، تحفظ بر طریقت صرف امارات از حیث اماره بودن روشن است.

پرسش اصلی

باز تفریر نظر در نظریه مصلحت سلوکیه

۱. همو، فرائد الأصول، ج ۳، ص ۳۱۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۸.

۳. همو، مطارح الأنظار، ج ۱، ص ۱۶۰.

۴. همو، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۱۱۴.

۳. تبیین ماهیت تدارکی و جبرانی مصلحت مدعای شیخ

شیخ انصاری در جای جای مطارح و فرائد، از جمله در ابتدای بحث مصلحت سلوکیه، تصریح می‌کند که اماره جز طریق و راه بودن، به همان معنای عرفی از راه و طریق، حیثیت دیگری ندارد. طریق، مصلحت‌ساز نیست و تأثیری در واقع و مؤدای اماره ندارد.^۱

در عین بی‌اثر بودن اماره در واقع و بی‌تأثیر بودن آن در بهره‌مندسازی سالک طریق از مصلحت نهفته در واقع فعل، شیخ سلوک بر اساس اماره را مشتمل بر مصلحتی می‌داند که به دلیل وجود چنین مصلحتی در سلوک بر اساس اماره، شارع عمل بر اساس آن را واجب کرده است.

شاه کلید عبارت شیخ، اشتغال سلوک بر اساس اماره، بر مصلحت است^۲ که برداشت‌های نادرست فراوانی از آن شده است. برخی چنین برداشت کرده‌اند که نسبت سلوک با مصلحت، علیت و عاملیت اماره نسبت به مصلحت و همان مصلحت‌سازی و تصویب باطل است.^۳ برخی تفکیک سلوک از اماره را برنناخته‌اند و تمام هویت سلوک را همان فعل مستند به اماره دانسته‌اند.^۴ اما به نظر می‌رسد ایشان راه درست را نپیموده‌اند؛ شیخ انصاری تعبد نسبت به اماره را -که حقیقت آن تعبد و اطاعت از طریق مجعول شارع است-، هویتی مستقل می‌داند که در تعامل و نسبت شخص عامل، با اماره معنا پیدا کرده و حادث می‌شود. در نگاه شیخ، نوعی عاملیت و دارای اثر بودن، نه برای اماره و طریق، بلکه برای یکی از افعال کاربر اماره، که همان عمل بر اساس اماره و تعبد به آن است، ثابت است.

در نظر شیخ، این عاملیت در واقع برای صدور مصلحتی جبرانی از ناحیه شارع است؛ به این معنا که خداوند حکیم لطیف، در صورت طی طریق مشخص کرده برای بنده و دست نیافتن او به واقع، این چشم و گوش بودن و تعبد را بی‌اثر نگذاشته و عاملی می‌شود برای صدور مصلحتی از ناحیه خداوند به عنوان جبران و تدارک آنچه که از دست رفته است. صدور

پیش از این
مطرح شده است

سال ششم، شماره ۲، سال ۱۴۰۲

۱. همان، ج ۱، صص ۱۱۴ و ۱۱۷ و ۱۲۰؛ همو، مطارح الأنظار، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲. انصاری، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۱۱۵.

۳. خوبی، محاضرات، ج ۲، ص ۲۷۲.

۴. خمینی، تهذیب الأصول، ج ۲، ص ۳۷۲.

مصلحت از ناحیه خداوند با اشتغال خود سلوک بر مصلحت، تنافی ندارند؛ مهم این است که در صورت سلوک بر اساس اماره و دست نیافتن به واقع، مصلحت جبرانی ناشی از فعل به بنده تعلق می‌گیرد؛ که ممکن است این مصلحت توسط خداوند به عنوان معلول همین سلوک و رفتار شخص قرار داده شده باشد. حال یا علت مباشر ایجاد این مصلحت، خود سلوک و رفتار عامل است که در صورت دست نیافتن به واقع، توسط خداوند برای جبران مافات قرار داده شده، که چنین سببیتی به این سلوک و نه به اماره داده شده؛ و یا خداوند به بهانه این سلوک و طاعت، به سبب دیگری چنین مصلحت و بهره تدارکیه‌ای را به عامل، تعلق می‌دهد. مهم این است که سلوک و اماره قابل تفکیک‌اند و این مصلحت نیز معلول اماره از جهت طریقت آن به واقع نیست.

با توجه به ماهیت جبرانی مصلحت سلوکیه، به روشنی تمامی اشکالات مبتنی بر کشیده شدن این نظریه به تصویب باطل، که بخش اعظم اشکالات است، پاسخ داده می‌شود.

۴. تصویب باطل و رد اشکال تصویب بودن مصلحت سلوکیه

در چنین دیدی به مصلحت سلوکیه، اگرچه نوعی سببیت و عاملیت برای مصلحت وجود دارد، اما اولاً این عاملیت برای اماره نیست و ثانیاً این مصلحت، مصلحت از دست رفته واقع نیست و شیخ در موارد پرتکراری، به این مطلب نیز تصریح کرده است.

شیخ در عبارتی مهم - و مغفول - از مطارح به روشنی می‌گوید: این نظریه، اگرچه نوعی از تصویب است ولی نه تصویبی که بر بطلان آن نزد شیعه اجماع داریم.^۱

روشن است که تصویب نامیدن این مصلحت، به همان معنایی است که اشاره شد و تدارکی و جبرانی بودن این مصلحت نیز بارها توسط شیخ به صراحت اعلام شده است.^۲ دیگر اصولیان مانند نایینی نیز بر جبرانی بودن مصلحت سلوکیه تصریح دارند.^۳

از آنچه گذشت، روشن می‌شود که در گزاره عمل بر اساس اماره، از طرفی شیخ به طریقت محض اماره نظر دارد که بر خلاف دیدگاه اشعری و معتزلی، اماره در واقع فعل و

۱. انصاری، مطارح الأنظار، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲. همو، فرائد الأصول، ج ۱، صص ۱۱۵ و ۱۱۸ و ۱۱۹.

۳. نایینی، فوائد الأصول، ج ۱، ص ۲۴۷.

مؤدا، تأثیری ندارد و از طرفی عمل بر اساس آن، عنصری دیگر است که نوعی سببیت را در بحث رقم می‌زند؛ سببیتی که عامل آن اماره نیست و بنابراین هرگز در نظر شیخ بحث به تصویب باطل کشیده نمی‌شود.

۵. دامنهٔ مصلحت سلوکیه

دیگر عامل مؤثر در فهم دقیق نظریهٔ شیخ، روشن نمودن حیطةٔ سببیتی است که برای سلوک بر اساس اماره نسبت به مصلحت جبرانی ترسیم می‌کند. شیخ به تکرار و با عبارات گوناگون، میزان کارکرد سلوک در اشمال بر مصلحت، و به عبارت دیگر، میزان و محدودهٔ مصلحت جبرانی‌ای را که شارع به عامل بر اساس اماره اعطا می‌کند، تبیین کرده است. در فرائد اولاً شرط تعلق چنین مصلحتی را مخالفت با واقع می‌داند؛ زیرا در صورت مخالفت نکردن با واقع، مفهوم جبران و تدارک، سالبه به انتفای موضوع می‌شود.^۱ ثانیاً در نظر شیخ، مصلحت جبرانیهٔ سلوکیه به مقدار سلوک بر اساس اماره و در همان حیطة‌ای است که از ناحیهٔ شارع مجوز داشته که بر اساس آن عمل کند.^۲ عدم اجزاء، نتیجهٔ همین نگرش است.^۳ ایشان حال عمل به امارات در مورد حکم شرعی را حال امارات اقامه شده بر موضوعات خارجی می‌داند که باعث جعل موضوع نمی‌شود و صرفاً تا زمانی که اماره قائم و معتبر است، احکام موضوع بر مؤدای امارهٔ موضوعی، بار می‌شود.^۴

پیشینهٔ
اصول فقه اسلامی

سال هشتم، شماره ۳، سال ۱۴۰۲

۶. ظرف طرح نظریه

برخی از اصولیان به اشتباه، طرح مصلحت سلوکیه را در ظرف از سداده دانسته‌اند، در حالی که عبارات مطارح و فرائد به روشنی نشان می‌دهد که شیخ، در ظرف انفتاح در صورت تفویت بدون جبران مصلحت، قبح را بر شارع ثابت می‌داند.^۶ اما در ظرف انسداد

۱. انصاری، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۱۱۷.

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. همان؛ همو، مطارح الأنظار، ج ۱، ص ۱۴۳.

۴. انصاری، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۱۲۰.

۵. خمینی، تهذیب الأصول، ج ۱، ص ۳۷۱.

۶. انصاری، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۱۰۸.

تصریح می‌کند که امر به عمل به خبر ظنی برای قبیح نبودن، به مصلحتی جز کاشف بودن ظنی نیاز ندارد.^۱

امکان فوت واقع در ظرف انفتاح در طریق منسوب به شارع بدون جبران، مشکلی است که شیخ آن را بر نمی‌تابد و مصلحت سلوکیه را در چنین فضایی مطرح می‌نماید.^۲ در بحث نظرکرد اثباتی به نظریه، از این نکته استفاده می‌شود.

۷. کلید واژه‌های مصلحت سلوکیه در مقایسه با مسلک سببیت باطل

مهم‌ترین ویژگی نوشتار پیش رو در تقریر مصلحت سلوکیه، توجه به شبکه واژگان و مفاهیمی است که شیخ در عبارات مختلف خود به آنها اشاره کرده است. از توجه مجموعی به این کلید واژگان، به روشنی ادعای نظریه شیخ آشکار می‌شود. به تناسب بحث، به برخی از این کلیدها در قسمت‌های پیشین اشاره شد؛ در این قسمت در یک شبکه فکری منسجم، در قالب جدول زیر، به این کلیدها پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها و مفاهیم اساسی مصلحت سلوکیه در قیاس با سببیت معتزلی	
سببیت	مصلحت سلوکیه
یکون الحكم الفعلي تابعا لهذه الأمانة. ^۴	لا يكون للأمانة القائمة على الواقعة تأثير في الفعل الذي تضمنت الأمانة حكمه. ^۳

پژوهش‌های
فقهی-فلسفی

بازتقریر نظام‌ار نظریه مصلحت سلوکیه

۱. همو، مطارح الأنظار، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. همان، ج ۳، ص ۶۴.

۳. انصاری، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۱۱۴.

۴. همان.

<p>يكون قيام تلك الأمانة ودلائلها على حكم موردها موجبا لحدوث مصلحة في ذلك المورد.^٢</p>	<p>وجوب ترتيب أحكام الواقع على مؤداها من دون أن يحدث في الفعل مصلحة على تقدير مخالفة الواقع. إذ بعد العلم بوجوب الواقع واشتماله على المصلحة، لا يلزم تفويت المصلحة منه تعالى.^١</p>
<p>فالحكم الواقعي فعلي في حق غير الظان بخلافه، وشأنني في حقه، بمعنى وجود المقتضي لذلك الحكم لو لا الظن على خلافه.^٤</p>	<p>فليس فيها إلغاء الواقع، بل هو عين مراعاة الواقع بجعل الطريق إليه.^٣</p>
<p>فالحكم الواقعي فعلي في حق غير الظان بخلافه، وشأنني في حقه، بمعنى وجود المقتضي لذلك الحكم لو لا الظن على خلافه.^٦</p>	<p>بقاء الأحكام الواقعية وعدم تقييدها، فهي إذن بالنسبة إلى العالم والجاهل سواء.^٥</p>
<p>أنّ المكلف به هو القدر المشترك بين مؤدى الطريق والواقع، وأنّ المكلف مخير بينهما على حسب أجزاء الزمان، وعلى حسب ما يطرأ له من حالاته علماً و جهلاً و حضراً و سفيراً إلى غير ذلك. و قد عرفت مراراً أنّ</p>	<p>أدلة حجّية تلك الأمارات حاكمة على أدلة الواقع، بمعنى تنزيل مداليل تلك الطرق منزلة الواقع، و وجوب الأخذ بها على أنّها الواقع، و لزوم ترتيب آثار الواقع عليها.^٧</p>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. همان، ص ١١٧.
٢. همو، مطارح الأنظار، ج ١، ص ١٣٥.
٣. همان، ص ١٣٦.
٤. انصاری، فرائد الأصول، ج ١، ص ١١٤.
٥. همو، مطارح الأنظار، ج ١، ص ١٣٧.
٦. همان، ص ١١٤.
٧. همو، مطارح الأنظار، ج ١، ص ١٣٧.

الإتيان بالفرد مسقط عن التكليف بالقدر المشترك. ^١	(الحكم واقعا بتطبيق العمل على الحكم الواقعي المدلول عليه بالأمانة).
و كيف كان، فقد عرفت فيما تقدم: أن لازم الطريقيّة هو عدم الإجزاء، و لازم الموضوعيّة هو الإجزاء. ^٣	كلّ ما كان من آثار العلم بالواقع فهو مترتب على العمل بالأمانة، و كلّ ما هو من آثار الواقع فلا وجه لترتبه على العمل بعدم الكشف. ^٢ (عدم الاجزاء)
أنّ لله في كلّ واقعة حكما يشترك فيه العالم و الجاهل لولا قيام الأمانة على خلافه، بحيث يكون قيام الأمانة المخالفة مانعا عن فعليّة ذلك الحكم. ^٥	جعل الشارع المقدّس لأصل الواقعة من حيث هي حكما من دون ملاحظة الظنّ وجودا و عدم ما فيها و لها من حيث تعلّق الظنّ بها حكما آخر على أن يكون حكما ثانويا، فلا يلزم التصويب. ^٤
أنّ المصلحة على الأوّل (سبب) إنّما هي في الموضوعات التي يدلّ عليها الطرق الظنيّة. ^٧	أنّ المصلحة على الثاني (مصلحة سلوكيه) إنّما هي في جعلها طرقا إلى الواقع و وجوب الأخذ بمداليلها على أنّها هي الواقع. ^٦

بازتفرير
نظائر نظرية مصلحة سلوكيه

بازتفرير
نظائر نظرية مصلحة سلوكيه

١. همان، ص ١٣٨.
٢. همان، ص ١٤٠.
٣. همان.
٤. همان، ج ٣، ص ٦٥.
٥. همو، فرائد الأصول، ج ١، ص ١١٤.
٦. همو، مطارح الأنظار، ج ١، ص ١٣٦.
٧. همان.

مقتضى الأدلة الدالة على حجّية تلك الطرق هو مراعاة الواقع، فلا تكون هذه الأمارات في عرض الواقع. ^١	التصويب الباطل المجمع على فساد هو أن يكون أحد الحكمين في الواقعة في عرض الآخر، ولا يكون مرتباً عليه. ^٢
أنّ المصلحة على الثاني (مصلحت سلوكيه) إنّما هي في نفس جعلها طرّقا إلى الواقع. ^٣	أنّ المصلحة على الأوّل (سبب) إنّما هي في الموضوعات التي يدلّ عليها الطرق الظنيّة. ^٤

٨. تقرير پایانی نظریه مصلحت سلوكيه

پس از بررسی نقاط اساسی نظریه مصلحت سلوكيه، شبکه اندیشه شیخ انصاری و تقریری که در بردارنده همه این نقاط کلیدی باشد، در قالب چند بند ارائه می شود:

هر واقعه ای به حسب ذات و ماهیت خود، دارای حکمی واقعی است که آن حکم واقعی به هیچ وجه به دخالت اماره مبدل نشده و بین مکلف آگاه و ناآگاه مشترک است، ولی برای آن واقعه، به حسب قرارگیری در عنوانی مانند سخن عادل و اعتبار مصلحتی که در عمل به آن نهفته است، حکمی ثانوی است که مترتب بر حکم واقعی و در طول آن است و هرگز با آن مزاحمت نمی کند؛ لذا اماره نه واقع ساز است و نه تغییر دهنده واقع و نه تقیید زنده آن، و نه در مؤدای خویش و نفس الامر آن واقعه از نظر حکمی، تأثیری دارد.^٥

ادله حجیت امارات، بر ادله واقع حکومت دارند؛ به این معنا که مدالیل این امارات تنزیل به منزله واقع می شود و عامل به اماره مکلف است با آنها برخورد واقع کرده و آثار واقع را بر آنها مترتب کند.^٦

در این حالت الغاء واقع صورت نمی گیرد، بلکه اساساً مقتضای طریق به واقع بودن

پیشینه
تقریرات

سال ششم، شماره ٣، سال ١٤٠٢

١. همان، ص ١٤٠.
٢. همان، ج ٣، ص ٦٥.
٣. همان، ج ١، ص ١٣٦.
٤. همان.
٥. همان، ج ٣، ص ٦٥.
٦. همان، ج ١، ص ١٣٧.

همین است.^۱

بر این اساس، واقعیتی که در جعل امارات ظنی به عنوان طرق به واقع رخ می‌دهد این است که برای هر واقعه، در طول حکم واقعی آن، در ظرف حجیت امارات ظنی، حکمی ثانوی به اعتبار عنوانی دیگر و شکل‌گیری موضوعی مستقل از ناحیه شارع جعل می‌شود که در طول حکم واقعی است؛ واقعی که سر جای خود است و حکم آن نیز بین مکلف آگاه و ناآگاه مشترک است. مثلاً واقعه ظهر روز جمعه، به خودی خود دارای حکمی در واقع است که اماره ظنی هیچ تأثیری بر آن ندارد و در صورت کشف خلاف نیز مجزی است؛ اما مثلاً اگر اماره مورد نظر خبر عادل باشد، عنوانی به نام سخن عادل و لزوم تصدیق و عمل به آن شکل می‌گیرد و به این اعتبار، به مثابه امارات اقامه شده بر موضوعات خارجی، و با توجه به تعلق ظن به واقعه مورد نظر، حکمی ثانوی در طول حکم واقعی پیدا می‌کند. مثلاً اگر مؤدای اماره و جوب نماز ظهر باشد، واقعه ظهر به اعتبار داخل شدن در موضوع حکمی که مفاد اماره است، به موضوع مستقلی دیگر مانند ظهری که مظنون به و جوب نماز ظهر است، مبدل گشته که حکم آن، و جوب نماز جمعه است. در این حالت مکلف وظیفه دارد و می‌تواند همه آثار حکم واقعی را بر مؤدای اماره بار کند و مثلاً هنگام اذان، نافله بخواند؛ در صورت کشف خلاف، مفسده اقدام به نافله یا مصلحت فوت اول وقت به واسطه مصلحت جبرانی تعلق گرفته به سلوک و حسن فاعلی او جبران می‌شود، ولی مدلول واقع سر جای خود است و مثلاً ظهر کفایت از نماز جمعه نمی‌کند.^۲

مصلحت جبرانی مدعا در این بحث نیز، مصلحتی ایجاد شده در مدلول و مؤدای اماره نیست؛ بلکه در نفس جعل یا امر به سلوک بر اساس اماره و یا در خود سلوک است. اگرچه عبارات شیخ متفاوت است اما روح معنای مورد نظر ایشان شکل‌گیری مصلحتی در راستای تعبد و سلوکی است که از بنده سر می‌زند و در مورد کیفیت و چستی این مصلحت که بحثی کاملاً کلامی است، سخنی ارائه نمی‌شود، که اقتضای بحث اصولی نیز همین است.^۳

پیشینه
اصولاً

بازتقریر
نظایر
نظریه مصلحت سلوکیه

۱. همان، ص ۱۳۶.

۲. همان، ج ۳، ص ۶۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۳۶.

۹. سالبه به انتفای موضوع شدن بسیاری از اشکالات، بنا بر تقریر مختار

پس از بیان شبکه اندیشه شیخ در بحث مصلحت سلوکیه و تقریر دقیق تر نظریه، بسیاری از اشکالات وارد بر این نظریه، موضوعاً منتفی می شوند و برخی از آنها نیز با روشن شدن نظام فکری شیخ در این بحث، به راحتی از بین رفته و قابل پاسخ دادن هستند. در این نوشتار مجال پرداختن گسترده به روش این پاسخ ها نیست و تنها به اشکالاتی که در اثر این تقریر صحیح از بین می روند، اشاره می شود.

اشکالات یاد شده عبارتند از: ۱. مستلزم تصویب بودن^۱؛ ۲. تبدل حکم واقعی^۲؛ ۳. عدم تفکیک بین اماره و سلوک بر اساس اماره^۳؛ ۴. قرار گرفتن حکم ظاهری مستفاد از اماره در عرض حکم واقعی^۴؛ ۵. مضطرب بودن عبارات شیخ و روشن نبودن منظور ایشان^۵؛ ۶. لزوم وجوب تخییری در صورت وجود مصلحتی به مقدار مافات^۶؛ ۷. متصور نبودن تعیینی شدن مفاد اماره.^۷

نگاه اثباتی به نظریه مصلحت سلوکیه

چنانچه گذشت در کتب اصولی تا به امروز، تلاشی قابل توجه در راستای تبیین بنیان های اثباتی این نظریه صورت نگرفته و تا حدودی با سهل انگاری با آن برخورد شده است. تلاش این نوشتار در این قسمت توجه به بنیان هایی است که برای رد یا پذیرش این نظریه چاره ای جز توجه به آن نیست. اگرچه این قلم ادعای اثبات تام این نظریه را ندارد، ولی در بستر بازتقریر و بازخوانی اثباتی آن، می توان چهره ای قابل قبول و شایسته اندیشه و دقت ارائه نمود.

پیشینه
تقریرات

شماره ۲۰ سال ۱۴۰۲

۱. خوبی، محاضرات، ج ۲، ص ۲۷۲.
۲. همان، ج ۱، ص ۹۷.
۳. خمینی، تهذیب الأصول، ج ۲، ص ۳۷۲.
۴. بروجردی، نهاية الأصول، ص ۴۴۸.
۵. مظفر، أصول الفقه، ص ۴۰۳.
۶. حسینی میلانی، تحقیق الأصول، ج ۲، ص ۲۲۲.
۷. همان.

۱. بنیان‌های فکری در رویکرد اثباتی به نظریه

پیش از بیان ادله اثباتی نظریه مصلحت سلوکیه، لازم است به دو مطلب مقدماتی اشاره شود؛ یکی، بازخوانی مفهوم مصلحت و تبیین جایگاه آن در فرآیند اثباتی مصلحت سلوکیه و دیگری تبیین دو رویکرد متفاوت در بیان جنبه اثباتی و استدلالی نظریه.

الف. چیستی مصلحت و قاعده تبعیت احکام از مصالح و مفساد واقعی

اصل تبعیت احکام از مصالح و مفساد نفس الامری از زیربناهای فقه شیعه و قواعد مسلم در دانش‌های کلام و اصول فقه این مذهب است.^۱ ریشه این تبعیت نیز هدفمند بودن افعال باری تعالی است. شهید اول در این زمینه می‌گوید: «در دانش کلام ثابت شده است افعال خداوند معلل به اغراض هستند و از آنجا که قبح این اغراض، ناممکن است و همچنین بازگشت این اغراض به خداوند نیز ممکن نیست، پس به ناگزیر این اغراض، اغراض حسنی است که به مکلف باز می‌گردد.»^۲

از ضروریات این قاعده، بازخوانی مفهوم مصلحت است؛ مفهومی بنیادین که چنانچه شاید و باید، تبیین نشده است. از همین رو، ابهامات موجود در آن همواره در مباحث مرتبط، مشکل‌آفرین است. در نظریه مصلحت سلوکیه نیز چیستی مصلحتی که احکام بر آنها بنا شده‌اند و مصلحتی که قرار است خداوند به سبب سلوک بنده، به او بدهد تا مصلحت فوت شده تدارک شود، از ابهاماتی است که بدون پرداخت دقیق به آن، رد و اثبات نظریه، چندان غنایی نخواهد داشت.

شهید اول کلیت مصلحت را اغراضی می‌داند که از فعل خداوند به بنده باز می‌گردد. وی این اغراض را در چهار حیطه تفصیل می‌دهد؛ جلب منفعت و دفع ضرر که هرکدام یا دنیوی هستند و یا اخروی.^۳ شاید بتوان گفت، عوامل دخیل در سعادت دنیوی و اخروی بشر و عوامل اخلال‌کننده به این سعادت، همان مصالح و مفسادی هستند که پشتوانه احکام ایجابی و

پژوهش‌های
فقهی-اصول

بازنگری
نظایر نظریه مصلحت سلوکیه

۱. سبحانی، الإلهیات، ج ۳، ص ۵۲۱.

۲. عاملی، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۳۳.

۳. همان.

سلبی شریعت را می‌سازند.^۱

از دیگر سو، همسنگ نبودن مصالح و مفاسد، بایی به نام تراحم و کسر و انکسار مفسده و مصلحت را در شریعت و فقه گشوده است.^۲ برآیند پایانی فعل مستند به خداوند که تشریح و جعل طریق رسیدن به احکام شرع در نسبت با بندگان، ناگزیر باید تأمین کننده سعادت بشر باشد و غرض او از تشریح و جعل طریق تأمین شود. اگر شیخ انصاری از وجود مصلحت در تبعیت از طریق مورد تأیید شارع سخن می‌گوید، طبعاً با توجه به همین پشتوانه است.

یکی از عوامل مهم دخیل در سعادت اخروی و حتی دنیوی بشر، تنظیم و تحسین شاکله و قوام ساختار وجودی انسان است. به تصریح روایت از عوامل بسیار مهم دخیل در شکل‌گیری و ارتقای این ساختار، بلکه حقیقتی که خود، این ساختار را تشکیل می‌دهد، نیت بنده است که جنبه حسن فاعلی او را سامان می‌دهد. در روایات فراوانی برای نیت، تأثیر و علیت نسبت به غایات منوی، ثابت شده است.^۳ با توجه به این ساختار اعتقادی، شیخ انصاری بر آن شده که نمی‌توان تبعیت از امارات معتبر شرعی را بی‌اثر شمرد و تنها دست آورد این تبعیت را صرف تسهیل نوعی در بستر تطابق اغلبی امارات با واقع دانسته است. در چنین نگرشی است که شیخ، از دست رفتن مصالح شخصی را در این طریق مورد رضای شارع، که اغراض و پشتوانه‌های تشریح و ارکان سعادت اخروی و دنیوی بشر هستند، بر نمی‌تابد. سلوک بنده بر اساس اماره که حقیقتی کاملاً ممتاز از خود اماره است، برای بنده دست‌آوردهایی به دنبال دارد که هدایای الهی به او، به بهانه حسن فاعلی وی هستند و خلل‌های طبیعی عمل به طریق ظنی را پوشش داده و از دست رفتن عوامل دخیل در سعادت یا پیدایش عوامل دخیل در فوت سعادت را در تراحمی که شکل گرفته، جبران می‌کنند.

از این رو است که با بازخوانی مفهوم مصلحت و جایگاه آن در فرآیند عمل به امارات ظنی و نسبت آن با فعل پروردگار و عمل مکلف و عوامل دخیل در سعادت دنیوی و اخروی، می‌توان تصویری قابل قبول و نزدیک به تصدیق از نظریه مصلحت سلوکیه و چیستی این

۱. سبحانی، الإلهیات، ج ۳، ص ۵۲۱.

۲. همان.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۴.

مصلحت ارائه کرد.

ب. دورویکرد اثباتی اساسی به نظریه

از اندیشه‌های کلیدی در خوانش اثباتی مصلحت سلوکیه، ضرورت توجه به وجود دو گونه رویکرد اثباتی به این نظریه است:

یک رویکرد، متمرکز بر نفی قبح از شارع است. در این رویکرد، کسی مانند شیخ که از ضرورت تعلق مصلحتی جبرانی از ناحیه شارع به سالک طریق ظنی دم می‌زند، به دنبال آن است که در صورت نبود این مصلحت، لزوماً اثبات قبح بر شارع صورت می‌گیرد. در این رویکرد، عدم احتمال طریق ظنی مورد تأیید شارع بر مصلحتی جبرانی، قبیح است. لذا دلالت اقتضای تأیید چنین طریقی، این است که برای تأمین ضرورت نفی قبح از افعال شارع، باید چنین مصلحتی تأمین شود. نگاه‌های اثباتی به نظریه شیخ چه توسط خود ایشان و چه توسط دیگران، چه در راستای پذیرش این نظریه و چه رد آن، غالباً در این شاخه می‌گنجند.

رویکرد دیگر، توجه به الزامات صفات و ویژگی‌های شارع است. بر خلاف رویکرد پیشین، در این رویکرد این خط فکری دنبال می‌شود که شارع، در بستر عمل به امارات ظنی مورد تأیید خویش و در صورت از دست رفتن واقع، با توجه به صفات و اقتضائات خداوندی خویش، چه برخوردی با سلوک مکلف بر این اساس می‌کند؟ اهمیت توجه به این رویکرد آن است که حتی اگر رویکرد اثبات قبح در صورت عدم وجود مصلحت جبرانی هم به سامان نرسد، باب اینکه بگوییم اقتضاء صفات و ویژگی‌ها و اغراض او، تعلق چنین مصلحتی به سلوک مکلف است، باز است. به بیانی ساده و ابتدایی می‌شود به این اندیشید که آیا کرم و لطف خداوند، غایتی که برای سعادت بشر در نظر گرفته در عین شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های بشر در ظرف دنیا و ویژگی‌های آن، که مستند به خود اوست، اقتضای چنین جبرانی را ندارد؟

در ادامه برخی ادله اثباتی قابل طرح در این رویکرد بررسی می‌شود.

پیشینه
مصلحت سلوکیه

بازتقریر نظام‌ار نظریه مصلحت سلوکیه

۲. ادله اثباتی اقامه شده در سخن شیخ انصاری با توجه به دو رویکرد موجود

تمرکز شیخ در کتاب فرائد بر جنبه ثبوتی مصلحت سلوکیه است و چه بسا با صرف نظر از فرائد بتوان ادعا نمود خود شیخ نیز به این نظریه باور ندارد و صرفاً برای رد شبهه ثبوتی ابن قبه آن را بیان کرده است؛ البته در ادامه به دلیلی که می‌توان از فرائد برداشت کرد نیز اشاره می‌شود. اما شیخ در کتاب مطراح و خصوصاً در بحث اجزاء، به صراحت چندین دلیل اثباتی بر نظریه مصلحت سلوکیه اقامه نموده است.

الف. اقتضای لطف خداوند

شیخ در کتاب مطراح درباره پشتوانه اثباتی نظریه می‌گوید:

«ففضیلة اللطف الواجب علی اللطیف الحکیم اشتمال ذلك الطریق علی مصلحة متدارکة لما هو الفائت - علی تقدیر التخلّف.»^۱

در این بیان، درباره مراد شیخ از لطف، دو احتمال هست؛ یکی قاعده لطفی که در کلام مطرح می‌شود و دیگری معنای لغوی لطف که صفتی از صفات باری تعالی است. تعریف مشهور قاعده لطف در بیان بزرگان متکلمین شیعه عبارت است از «کل فعل یدعو المکلف إلى الطاعة ویزجره عن المعصية».^۲ لطف اصطلاحی به دو قسم لطف محصل و لطف مقرب تقسیم می‌شود. لطف محصل لطفی است که عبادت از ناحیه بنده به واسطه آن حاصل می‌شود، و لطف مقرب لطفی است که به نقطه تحقق طاعت نمی‌رسد ولی شأنیت نزدیک نمودن بنده به طاعت و دور نمودن او را از معصیت دارد.^۳ به تعبیر سید مرتضی، لطف مقرب، لطفی است که بنده را به اختیار طاعت نزدیک کرده و دعوت کننده به سمت طاعت است.^۴ به نظر می‌رسد، مصلحت سلوکیه می‌تواند از مصادیق قاعده لطف به این معنا باشد. این مصلحت جبرانی، نوعی ضمانت اجرایی برای طریق ظنی از ناحیه شارع است و قطعاً جعل چنین پشتوانه‌ای، داعی عباد به سمت تعبد به این طرق است. بسیاری از مکلفین، در بحث

پیشینه
تألیف
مجله

سال
شماره
۳
سال
۱۴۰۲

۱. انصاری، مطراح الأنظار، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲. ربانی گلپایگانی، القواعد الکلامیة، ص ۹۷.

۳. همان.

۴. همان.

اختلاف فتاوا به چالشی در بحث احراز واقع و فوت آن برخورد می‌کنند که چگونه در این بستر اختلافی باید اطمینان کرد و از مجتهدی تبعیت کرد؟ به تجربه ثابت شده که وقتی مصلحت سلوکیه و پشتیبانی شارع در مواضع فوت مصلحت از این طرق برای آنها شرح داده می‌شود، در تعبد ایشان به طرق ظنی، که یکی از آنها فتوای مجتهد است، بسیار تأثیرگذار است. پس می‌توان یکی از پشتوانه‌های اثباتی این نظریه را قاعده لطف کلامی دانست که در آن مصلحت سلوکیه جبرانی از ناحیه شارع، مقرب و داعی بندگان به طاعت و تبعیت از طرق ظنی است. این دلیل اثباتی در رویکرد نخست می‌گنجد.

«لطف» در لغت در مقابل غلظت و خشونت و برخورداری از دقت، و در مقابل ضخامت است.^۱ همچنین به معنای رفق و سهولت فعل نیز معنا شده است.^۲ لذا وقتی فاعلی به لطف متصف می‌شود، معنایش انجام دقایق افعال و سهولت و رفق است و وقتی ویژگی‌های مادی از این صفت نفی شود مناسب با ساحت باری تعالی خواهد بود؛ به این معنا که خداوند نیز در افعال خویش بر دقایق امور احاطه دارد و افعالش با رفق و به دور از غلظت و خشونت صورت می‌گیرد.^۳

از لوازم این ویژگی، برّ و تکریم و محبت و مرحمت به بندگان است.^۴

با این بیان پیرامون لطف، می‌توان یکی از مصادیق رفتار برخاسته از لطف خداوندی نسبت به بندگان را که در بستر رحمت و رأفت و انعام صورت می‌گیرد، مصلحت جبرانی‌ای دانست که مسیر از دست رفته مورد رضای او را در صورت عدم اصابه به واقع جبران می‌کند. این بیان از لطف، در رویکرد اثباتی دوم می‌گنجد.

ب. اقتضای حکمت خداوند

حکمت در مورد خداوند گاهی وصف برای علم، و گاه وصف برای فعل خداوند است و در این بحث، حکمت فعلی مراد است. مراد از این قسم از حکمت، تنزه و تقدس خداوند از

۱. مصطفوی، التحقیق، ج ۱۰، ص ۱۹۳.

۲. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۳، ص ۲۳۵.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۴۰.

۴. مصطفوی، التحقیق، ج ۱۰، ص ۱۹۳.

انجام کاری است که سزاوار او نیست.^۱ علامه حلی حکمت فعلی خداوند را در غایت استواری و اتقان و کمال بودن کارهای او معنا می‌کند.^۲ اگر حکمت مورد نظر شیخ انصاری، این معنا باشد، قاعدتاً در نظر ایشان اقتضای کمال و اتقان نهایی فعل پروردگار در نصب طرق ظنی، اشتمال آنها بر مصلحت جبرانیه است.

از دیگر معانی حکمت، کار لغو و عبث انجام ندادن است؛ منجر نشدن فعل به نقض غرض یا خلاف غرض بودن نیز از مصادیق کار حکیمانه است که در دلیل آینده به آن اشاره می‌شود.

ج. خلاف غرض و نقض غرض

شیخ انصاری در مطارح، نبود چنین مصلحت جبرانیه‌ای را مستلزم نقض غرض، و از جهتی خلاف غرض از ناحیه شارع می‌داند.^۳ با توجه به مجموعه عبارات شیخ، شاید بتوان در تبیین این دلیل گفت: از آنجا که مطلوب و غرض خداوند از جعل و تشریح احکام، دستیابی به واقع آنها و مصلحت پنهان در آنهاست که در سایه آنها سعادت بشر تأمین شود و مقتضای قاعده تبعیت احکام از مصالح واقعی هم همین است، اگر در طریق وصول به احکام، تخلف از واقع، بدون هیچ جبران و بردن بهره‌ای از آن واقعیات و مصالح رخ دهد، نقض یا خلاف غرض رخ می‌دهد؛ از جهت نرسیدن به واقع، نقض غرض، و از جهت ادراک مفسده، خلاف غرض حاصل می‌شود.

پیشینه
اصول فقه اسلامی

د. دلالت التزامی ادله حجیت امارات

شیخ اعظم در فرائد، به اقتضای ثبوتی بودن بحث به صراحت مطارح، تعلیلی برای نظریه خویش اقامه نکرده است ولی از لابه‌لای سخن وی پیرامون سبک و معنای حجیت امارات، می‌توان دلیل دیگری را برداشت کرد که عبارت است از دلالت التزامی ادله حجیت امارات ظنی که شهید صدر نیز به آن اشاره کرده است.^۴ به این معنا که وقتی شارع طریقی را که در آن امکان از دست رفتن واقع است بر مکلف جعل می‌کند و آن را طریقی

سال نهم، شماره ۲، سال ۱۴۲۲

۱. ربانی گلبایگانی، القواعد الکلامیه، ص ۱۴۱.

۲. حلی، کشف المراد، ص ۳۰۱.

۳. انصاری، مطارح الأنظار، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴. صدر، مباحث الأصول، ج ۲، ص ۶۸.

ایصال به واقع و بهره‌مندی از مصالح احکام قرار می‌دهد و از طرفی تبعیت و طاعت بنده را ارزشمند می‌شمارد؛ لازمه اینها، وجود دستاوردی جبرانی است که از ناحیه شارع به بندگان بخشیده می‌شود.

هـ. ادله اثباتی دیگری که می‌توان برای نظریه شیخ ارائه کرد

ذهنیت مهم دیگری، شیخ را به سمت این نظریه رهنمون کرده است که می‌توان نام آن را ذهنیت استظهار کلان شرعی گذاشت؛ به این معنا که وقتی شیخ به مجموعه روایاتی که در موضوع طرق در شریعت وارد شده، همچون روایات من بلغ^۱ که به صراحت در آنها از تأثیر تعبد در بردن بهره واقعی اشاره شده، یا روایات پیرامون بحث نیت و نگرش کلی شریعت به مقوله احکام و نظام دین نظر می‌کند، از این مجموعه و بسیاری مباحث دیگری مطرح شده در روایات و آیات، به استظهاری شبکه‌ای و کلان می‌رسد. استظهاری که اگرچه به صراحت در مدلول تطابقی سخنی از سخنان شارع وارد نشده ولی شیخ با بررسی این مجموعه به حدسی صائب رسیده و این نظریه را ارائه کرده است.

یکی از قواعد فلسفی در باب باری تعالی، وجوب واجب الوجود بالذات از همه جهات است؛ به این معنا اگر امری به امکان عام در حق خداوند ممکن باشد، برای حق به ضرورت ثابت می‌شود.^۲ از این رو ثبوت صفات ثبوتیه‌ای چون علم و قدرت برای خداوند ضروری است. اگر روشن شود که وجود مصلحت سلوکیه از مصادیق صفات ثبوتیه خداوند است که در بحث لطف به آن اشاره شد، می‌توان گفت که این امر ممکن که بحث امکانی و ثبوتی آن حتمی و مبنای شیخ در رد شبهه ابن قبه است، برای حق به ضرورت و لزوم می‌رسد. از دیگر سو بدون توجه به مصداق بودن آن برای صفات ثبوتی حق، به خودی خود وجود چنین مصلحتی و جعل و تعبیه آن، در حق خداوند ممکن، و لذا ضروری است. البته در این نظرکرد فلسفی، مهم توجه به حدود و زوایای این قاعده است و این مختصر، تنها طرح ایده‌ای برای کاوش فلسفی در این بحث بود.

پیشینه
فلسفی

بازتقریر نظام‌ار نظریه مصلحت سلوکیه

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۷.

۲. طباطبایی، نهاية الحکمة، ص ۵۵.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، دو هدف عمده تعقیب شد؛ یکی بازتقریر نظریهٔ مصلحت سلوکیهٔ شیخ انصاری، با توجه به نظام فکری ایشان در نظرکرد به ماهیت شناسی حجیت امارات ظنی، و دیگری بررسی اثباتی نظریه در بستری کلامی با کاوش در ادلهٔ اقامه شده از ناحیهٔ خود شیخ و ادلهٔ دیگری که می‌توان برای این نظریه اقامه کرد.

در راستای تحصیل هدف نخست، دو کتاب فراند الاصول و مطراح الانظار شیخ انصاری با دقت تمام مورد کاوش قرار گرفت. در این کاوش شبکهٔ اندیشه‌ای شیخ در این بحث آشکار شد، و روشن شد که شیخ در عین نظرکرد طریقی محض به امارات و طرق ظنی، به نوعی سببیت و تصویب نیز قائل است.

نکتهٔ مهم در این تقریر، تنافی نداشتن مصلحت سلوکیه با طریقت محض طرق ظنی است. این مصلحت، ماهیتی تدارکی و جبرانی داشته و به هیچ وجه واقع را دگرگون نساخته و ملغی نمی‌سازد. کلیدواژه‌های بسیار مهم و امهات فکری شیخ در این بحث، مانند حکومت ادلهٔ حجیت امارات بر ادلهٔ واقع، و قرار نگرفتن مفاد اماره در عرض واقع، و شکل‌گیری حکمی ثانوی در راستای امارات معتبر ظنی، در راستای ترسیم نظام فکری شیخ به کار گرفته شد و در قسمت تقریر نهایی نظریه به تفصیل ارائه گردید. در اثر ارائهٔ چنین تقریری، روشن شد که بسیاری از اشکالات وارد بر نظریهٔ شیخ، از اساس وارد نیست و ناشی از نبود تفاهم با اندیشهٔ شیخ و نبود نگرش نظام‌وار به دستگاه فکری ایشان در باب حجیت امارات است.

در راستای هدف دوم نیز، با بررسی فراند و به‌خصوص مطراح، در جهت استخراج پشتوانه‌های اثباتی این نظریه که شیخ بر آنها تکیه داشته است، تلاش شد؛ کوششی که تا کنون در هیچ اثر اصولی‌ای نیامده است. همچنین با بررسی پشتوانه‌های کلامی این ادله، تلاش شد در نگرشی کلامی-فلسفی ادلهٔ دیگری را که می‌توان برای این نظریه اقامه شوند، ارائه کرد. هدف این نگرش اثباتی، به انتها رساندن قطعی اثبات نظریه نیست؛ بلکه کوششی است برای روشن شدن پشتوانه‌های اثباتی جدی این نظریه، که در اثر بی‌توجهی و ساده‌انگاری در جنبهٔ اثباتی قضیه، نسبت به آن بی‌مهری‌های فراوان صورت گرفته و افق فکری آن مورد تفاهم اصولیان واقع نشده است. ادعای این نوشتار آن است که مخاطب، در خوانش اثباتی مصلحت

پژوهش‌های
اصول فقهیه

دوره نهم، شماره ۳، سال ۱۴۰۲

سلوكيه، به افق‌هایی توجه داده می‌شود که نه تنها دیگر از قبول آن استبعادی نخواهد داشت، بلکه چه بسا به بلندای اندیشه شیخ در این نظریه درود فرستد؛ گامی که بدون بازتقریر نظام‌وار مصلحت سلوكيه امکان برداشتش در جنبه اثباتی آماده نبود.

منابع و مآخذ

۱. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۱، ۱۴۲۱ق.
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الأصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چ ۹، ۱۴۲۸ق.
۳. _____، مطارح الأنظار، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چ ۲، ۱۳۸۳ش.
۴. بروجردی، حسین، نهاية الأصول، تهران: نشر تفکر، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۵. حسینی میلانی، علی، تحقیق الأصول، قم: الحقائق، چ ۲، ۱۴۲۸ق.
۶. حلی، یوسف بن مطهر، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چ ۴، ۱۴۱۳ق.
۷. خمینی، روح الله، تهذیب الأصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱، ۱۴۲۳ق.
۸. خویی، ابوالقاسم، محاضرات في اصول الفقه، قم: دارالهادی للمطبوعات، چ ۴، ۱۴۱۷ق.
۹. _____، مصباح الأصول، قم: مکتبه الداوری، چ ۵، ۱۴۱۷ق.
۱۰. ربانی گلپایگانی، علی، القواعد الکلامیه، قم: مؤسسه الإمام الصادق %، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۱۱. سبحانی، جعفر، الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل، قم: مرکز العالمی للدراسات الإسلامیه، چ ۳، ۱۴۱۲ق.
۱۲. صدر، محمدباقر، دروس في علم الأصول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چ ۵، ۱۴۱۸ق.
۱۳. _____، مباحث الأصول، قم: مطبعة مرکز النشر - مکتب الإعلام الإسلامی، چ ۳، ۱۴۱۲ق.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان في تفسير القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چ ۲، ۱۳۹۰ق.
۱۵. _____، نهاية الحکمة، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چ ۱۲، ۱۴۱۶ق.
۱۶. العاملی، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد في الفقه و الأصول و العربیة، قم: کتاب فروشی مفید، چ ۱، ۱۴۰۰ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ق.

پژوهش‌های
فقهی-فلسفی

بازتقریر نظام‌وار نظریه مصلحت سلوكيه

١٨. مصطفوى، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى،
ج ١، ١٣٦٨ ش.
١٩. مظفر، محمدرضا، أصول الفقه، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علمية قم، ج ٥، ١٣٨٧ ش.
٢٠. نايينى، محمدحسين، فوائد الأصول، قم: انتشارات اسلامى، ج ١، ١٣٧٦ ش.
٢١. نجاشى، احمد بن على، رجال النجاشي، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ج ٦، ١٣٦٥ ش.

